



نایخ پژوهی



وژنه نامه شماره ۱

نخستین ویژه نامه تاریخ پژوهی فروردین ۱۴۰۲

مدیر مسئول: فاطمه پنبه پز، سردبیر: طهمورث مهربانی، نویسندگان: عرفان قسطنی چوبدار، زهرا ناصری حصار، زینب کریمی دیسفانی، صبا اکبریان سوم



عرفان قسطنی چوبدار

دانشجوی کارشناسی رشته تاریخ (ورودی ۱۴۰۱)

نوروز

علم دولت نوروز به صحرا برخاست

زحمت لشکر سرما ز سر ما برخاست

(سعدی)

دیر زمانی است که نوروز در ایران زمین، به صورت جشن پاس داشته می شود. عمر آن به درازای تاریخ و شاید فراتر از آن است، دوره ای که توانایی نوشتن ممکن نبود. قدیمی ترین سند در باب برگزاری مراسم نوروز به عهد هخامنشیان بازمی گردد؛ که اولین شاهنشاهی در سرزمین ایران است. بر دیوار بناها و کاخ های هخامنشی می توان نقش برجسته نمایندگان و فرستادگان سرزمین های تابع هخامنشیان را به چشم دید؛ که به مناسبت این سنت ایرانی، هدایا و تحفه هایی را برای ارزانی داشتن به شاه هخامنشی با خود حمل می کنند. نوروز در دوره اشکانی نیز گرامی بوده، اما از چگونگی برگزاری آن در این عهد اطلاعات چندانی در دست نیست و فقط می توان از گفته ثعالبی تاریخ نگار سده چهارم هجری در خصوص شکوه برگزاری جشن مهرگان در درباره اشکانیان، این گونه برداشت کرد که به نوروز به مانند مهرگان توجه می شده است.

در عصر شاهنشاهی ساسانی، نوروز با تمام جلال و شوکت خویش برگزار می شده است و به دو قسم، نوروزنامه و خواسته جشن گرفته می شده است. در بامداد نوروز، شاه لباس باشکوهی بر تن می کرد و موبد موبدان به عنوان اولین فرد دیدار کننده از شاه به خدمت او می رسید. پس از ورود اعراب مسلمان به سرزمین ایران و سقوط ساسانیان، آخرین شاهنشاهی ایران باستان، نوروز

در تاریخ معاصر نیز همچنان شاهد برگزاری این جشن کهن هستیم؛ به صورتی که در سفرنامه‌های سیاحان خارجی که به قلمرو ایران قاجاری پا گذاشته‌اند، ردپای نوروز یافت می‌شود.

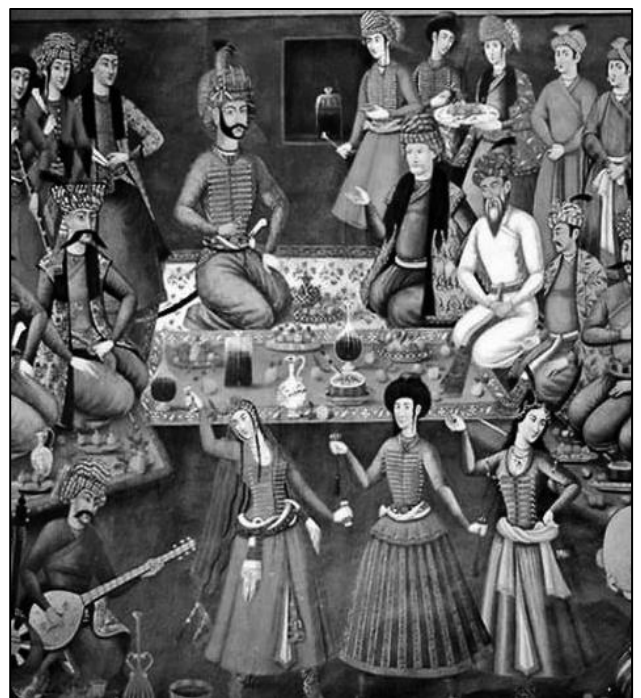
در چیستی نوروز شاید بتوان آن را جمله از آغاز چرخه آفرینش دانست؛ زمان و خلقت حرکت خود را طی می‌کنند و پس از رسیدن به نقطه پایان، بار دیگر در نوروز حرکت آغازین خود را شروع می‌کنند و در باور دینی، نخستین روز نوروز را که "اورمزد" نام نهاده‌اند، فلک در آن آغاز گردیده و اهورامزدا دست به خلقت جهان زده است.

در زمانی که تقسیمات سال به شکل کنونی وجود نداشت، سال را به دو فصل گرما و سرما تقسیم می‌کردند؛ که مهرگان آغاز فصل سرما و نوروز شروع فصل گرما تلقی می‌شد. پس از سپری شدن دوران خواب و ریخت زمین در فصل سرما، آغاز بهار زمان حیات مجدد زمین و رهایی و آسودگی از زندگی سخت را فراهم می‌ساخت. نوروز در اول فروردین ماه در ایران برابر با اعتدال بهاری است ولی در طول تاریخ این سرزمین به علت رعایت نکردن کیسه و عدم وجود آن در تقویم باستانی ایران‌شهر، نوروز از معنای مصادف با سال نو و اعتدال بهاری خارج و در تابستان و یا فصول دیگر برگزار می‌شد که در تقویم جلالی در آغاز فروردین تثبیت گردید.

ریشه‌های نوروز تا اساطیر پیش می‌رود و آن را منسوب به جمشید، شاه افسانه‌ای ایران زمین می‌دانند. داستان اینگونه است: زمانی که جمشید به تمام خوبی‌ها دست یافت میل پرواز کردن و آسمان‌نوردی در سر او شکل گرفت. تختی زرین ساخت و دیوان را که در خدمت او بودند مجبور ساخت که تخت را حمل کنند و به آسمان ببرند. جهانیان از شکوه و عظمت جمشید

نیز توانست با عبور از تمامی فراز و نشیب‌ها مسیر پر تلاطم خود را طی و سر از دربار حکومت‌های امویان و عباسیان در آورد. نوروز همواره مورد توجه دولت اموی بود؛ زیرا که با فرا رسیدن نوروز خراج‌ستانی و اعطای هدیه به دربار نیز آغاز می‌گردید و توجه امویان به جنبه مادی و مالی آن معطوف بود.

با روی کار آمدن خلافت عباسیان و سپردن امور وزارت به خاندان‌های ایرانی، نوروز جایگاهی رفیع یافت؛ و افزون بر دربار عباسی در اشعار شاعران عرب نیز پدیدار گردید. از دیگر نمونه‌های علاقه‌مندی اقوام غیر ایرانی بی‌نوروز میتوان دولت تیموریان هند و مناطق شرق آفریقا را مثال زد. حاکمان بابر و هند (تیموریان هند) به دلیل علاقه به آداب و فرهنگ ایرانی، دل به نوروز می‌سپارند و ۱ مارس برابر با جشن نوروز در سرتاسر سواحل منطقه شرق آفریقا، به ویژه در جزیره زنگبار با شکوه خاصی برگزار می‌شود و با برخی از رسوم بومی پیوند برقرار کرده است و این سنت ارمغان سال‌های دوری است که ایرانیان در آفریقا به سر برده‌اند.



پروردگار توسط انسان و ... از جمله این روایات برای دلیل آغاز نوروز هستند و از نمونه‌های آن می‌توان روایت معلی بن خنیس که به نقل از امام صادق (ع) است را مثال زد که سرمنشأ نوروز را حوادث متعدد دینی عنوان می‌کند.

با گذر از صفحات تاریخ متوجه خواهیم شد که بعید است هیچ ملتی همانند ایرانیان، بزرگی و ذلت روزگار را چشیده باشد. سفر ماجراجویانه نوروز نیز از ابتدای وجودش تا کنون فراز و نشیب‌هایی به مانند ملت ایران چشید و تا مرز محو شدن پیش رفت؛ اما در حافظه تاریخی و جمعی ایرانیان، همچون امشاسپندی مقدس و جاودان باقی ماند.

بر آمد باد صبح و بوی نوروز

به کام دوستان و بخت پیروز

مبارک بادت این سال و همه سال

همایون بادت این روز و همه سال

که بر روی تخت زرینش همچون خورشید می‌درخشید، سخت به شگفتی افتادند. این روز که مقارن با اول فروردین بود نوروز نام گرفت.

حکیم ابوالقاسم فردوسی در این خصوص می‌سراید:

به فر کیانی یکی تخت ساخت

مایه بدو گوهر اندر نشناخت

که چون خواستی دیو برداشتی

ز هامون به گردون بر افراستی

چو خورشید تابان میان هوا

نشسته برو شاه فرمانروا

جهان انجمن شد بر تخت او

شگفتی فرومانده از بخت او

به جمشید گوهر افشانند

مران روز را روز نو خواندند

افزون بر اساطیر ایرانی، نوروز با روایات اسلامی نیز

پیوند خورده است.

بر خشکی نشستن کشتی حضرت نوح(ع) و قبول بندگی





زهرا ناصری حصار

دانشجوی کارشناسی رشته تاریخ (ورودی ۱۴۰۰)

سپندارمذگان باستانی

در گاه‌شماری کهن ایرانی، پنجمین روز اسفند اسپندارمذ نام داشت؛ اما بر اساس گاه‌شماری امروزی، روز ۲۹ بهمن ماه جشنی به نام "سپندارمذگان" برای بزرگداشت مقام زن برگزار می‌شود. در این روز مردان به زنان خود هدایایی اعطا می‌کردند که به نوعی تشکر از زحمات زن بود؛ بانوان نیز این روز را گرامی دانسته و در چنین روزی، لباس و کفش نو می‌پوشیدند. این جشن در کتاب آثارالباقیه ابوریحان بیرونی به جشن مردگیران معروف است.

مبنای نامگذاری این روز به امشاسپندی (یاوران اهورامزدا) که در سمت چپ اورمزد می‌نشیند، یعنی اسپندارمذ باز می‌گردد. سپندارمذ ایزد بانوی زمین است و از این رو نماد باروری و رشد می‌باشد. این ایزد بانو همچنین، حامی زنان پارسا و درستکار نیز هست.

وجه اشتراک جشن ولنتاین و سپندارمذگان ایرانی، در مفاهیم "عشق ورزیدن" و "مهر ورزیدن" است. کلمه عشق در واقع واژه‌ای عربی است که متاسفانه کلمه‌های فارسی مانند: مهر، مهربانی، دلبستگی و شیفتگی هیچ یک

نتوانستند جایگزین آن شوند.

این جشن به جشن مردگیران نیز معروف بود. مبنای این نامگذاری این بود که دختران آماده ازدواج این اختیار را پیدا کنند که برای خود شریکی انتخاب کنند.

حافظ در وصف عاشقان اینگونه می‌گوید که:

❁ هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق، ثبت

❁ است بر جریده عالم دوام ما ❁

این جشن ریشه در فرهنگ شاهنشاهی هخامنشی و اوستایی دارد.

به همین علت در کشورهای هند، افغانستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان و در میان ایرانی‌تباران آمریکا، اروپا، کانادا و استرالیا برپا می‌شود.

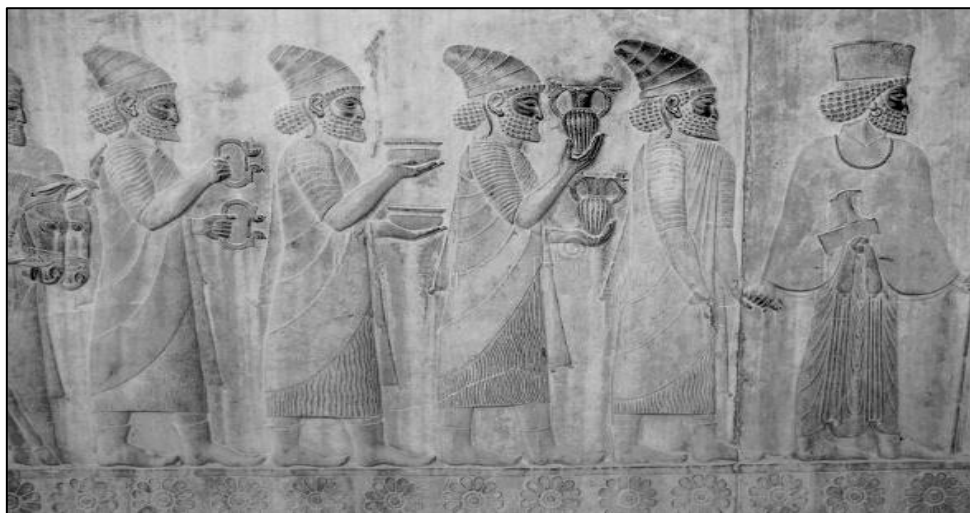
زرتشت به کرات از ایزد سپندارمذ می‌طلبد:

ای اسپندارمذ، در روز رستاخیز، در آمرزیده شدن من (و همراهان من)، مرا یاری ده.

ای اسپندارمذ، در جهان مادی، به من توش و توان و نهاد راستین عطا نما

و بدکردارانی را که از نیکی روی می‌گردانند، از راستی به دور دار و کشتزاران رامش ده

و تو بر این کار توانایی، چرا که کارساز و یاور راستی هستی. (یسنا ۳۳- بند ۱۱ و یسنا ۳۴- بند ۱)





زینب کریمی دیسفانی

دانشجوی کارشناسی رشته تاریخ (ورودی ۱۴۰۱)

چهارشنبه‌سوری

چهارشنبه‌سوری نام جشن باستانی ایرانیان است؛ که از آداب و رسوم تاریخی ایران نشأت می‌گیرد.

از آنجا که ایرانیان قبل از اسلام، روزهای ماه را با یک نام می‌خواندند و هفته و اساساً چهارشنبه نداشتند و همین‌طور پریدن از روی آتش و بی‌احترامی به آن با آیین زرتشتیان هم‌خوانی ندارد، برخی معتقدند که نمی‌توان چهارشنبه‌سوری را جشنی متعلق به دوران پیش از اسلام دانست همچنین زرتشتیان پریدن از روی آتش را توهین به آتش می‌دانستند.

یکی از فلسفه‌های این جشن طلب گرما و گریز از سرما بوده است؛ همچنین آریایی‌ها آتش را پاک‌کننده می‌دانستند. همچنین ایرانیان معتقد بودند در پنج روز قبل نوروز و بعد از نوروز فروهرهای افراد در گذشته به روی زمین می‌آیند تا آن‌ها را از وضع و حال خود مطلع کنند؛ به همین دلیل آتشی برمی‌افروختند تا افراد در خانه‌هایشان تا فروهرها راه خانه را پیدا کنند. در آن شب نیز غذاهای معطر پخته می‌شد و هر خانه بوی خاصی می‌داد، مثلاً بوی حلوا.



مراسماتی که در چهارشنبه‌سوری برگزار می‌شود، مانند فال‌گوش‌نشینی. آسمان که تاریک می‌شد و شناسایی آدم‌ها سخت، آن‌هایی که دلشان می‌خواست بختشان باز شود یا به زیارت بروند یا نیت‌های دیگر داشتند از خانه بیرون می‌رفتند و به حرف‌های رهگذران یا اهالی خانه‌ها گوش می‌کردند؛ اگر اولین چیزی که به گوششان می‌خورد شاد و خوشایند بود، نیتشان را به خیر فال می‌زدند و اگر سخنان تلخ و ناراحت‌کننده می‌شنیدند، فالشان را به برآورده نشدن می‌زدند.

قاشق‌زنی در گذشته یکی از مهم‌ترین رسوم چهارشنبه‌سوری در ایران بوده است. در این رسم دختران و پسران جوان چادری بر سر خود می‌کشیدند تا شناخته نشوند و به در خانه دوستان و همسایگانشان می‌رفتند. صاحبخانه با شنیدن صدای قاشق که به کاسه می‌خورد، به در خانه می‌آمد و داخل کاسه آن‌ها آجیل چهارشنبه‌سوری، شیرینی، شکلات، نقل و گاهی پول هم می‌ریخت. بعضی گفته‌اند سنت قاشق‌زنی از باور زرتشتیان ریشه گرفته است؛ چون در اوستا آمده که پنج روز آخر سال تا روز پنجم فروردین، اورمزد دوزخ را خالی می‌کند و ارواح رها می‌شوند. ارواح نیک در رستاخیز آخر سال به میان زندگان برمی‌گردند و به شکل افرادی که رویشان پوشیده شده، به خانه بازماندگان سر می‌زنند و زندگان برای یادبود و برکت به آن‌ها هدیه‌ای می‌دهند. قاشق‌زنی در واقع استفاده ارواح از زبان بدن به جای زبان گفتار است. اما این مراسمات در حال حاضر در اکثر مناطق به فراموشی سپرده شده است. همچنین تحریفاتی به این جشن باستانی اضافه شده است که تصویر خوب و زیبایی آن را تخریب می‌کند؛ مانند توپ و ترقه‌های هولناک و نیز آلودگی صوتی.



صبا اکبریان سوم

دانشجوی کارشناسی رشته تاریخ (ورودی ۱۴۰۱)

مهرگان



قدمت این جشن از لحاظ تاریخی، طبق نقل کتزیاس به دوره اردشیر دوم بازمی‌گردد. مهرگان در طی تاریخ و همراه با تحولاتی که بر فرهنگ و تمدن این سرزمین گذشته همراه بوده و به دوره اسلامی نیز انتقال پیدا کرده؛ چنانچه بیهقی از برگزاری این جشن با شکوه زیاد در دربار غزنویان نقل می‌آورد و در اشعار شاعران این دوره نیز تجلی پیدا می‌کند.

از آداب این جشن می‌توان به تاج‌گذاری شاهان ایران که نماد خورشید و چرخ گردان بر آن بود و شبیه نماد ایزد مهر بود اشاره کرد. شاه در این روز کاری انجام نمی‌داد که مبدا عمل زشت و ناپسند باشد که تمام سال به سبب آن شوم شود. مردم در این روز به شاه و به یکدیگر هدیه می‌دادند. از دیگر رسم‌های این جشن، نواختن موسیقی و سرودن شعر در مجالس و دربار شاهان بود. همچنین سفره مهرگان می‌انداختند و انواع شاخه درخت و میوه بر سر آن قرار می‌دادند. با قرار گرفتن خورشید در میانه آسمان، نخست نیایش می‌خواندند و سپس سورمه بر چشم می‌کشیدند و به شادی می‌پرداختند. البته این جشن در دوران معاصر به فراموشی سپرده شده است؛ اما اهمیت آن برای گذشتگان برابر با نوروز بوده.

مهرگان یکی از جشن‌های بزرگ در طی تاریخ ایران بوده است که همخوانی با ایزد بانو مهر دارد؛ همچنین نماد عهد و پیمان است. این جشن از روز شانزدهم مهر ماه آغاز می‌شد و تا روز بیست و یکم مهر، یعنی رام روز ادامه می‌یافت. مهرگان به پنج و شش روزه تقسیم می‌شد و هر روز به طبقه‌ای خاص اختصاص داشت. همچنین آغاز سال ایرانیان باستان طبق آنچه که در سنگ‌نوشته‌های داریوش آمده، اول پاییز بوده است و جشن مهرگان در اصل جشن آغاز سال بوده و البته در همان زمان به دلیل تاثیری که ایرانیان از تقویم مصری‌ها گرفته بودند، آغاز سال به اعتدال بهاری انتقال پیدا کرد. جشن مهرگان را باید در شمار جشن‌های دوازدهگانه دانست که در این جشن‌ها هرگاه نام ماه و نام روز مصادف بوده، مردم به شادی و پایکوبی مشغول می‌شدند.

داستان جشن مهرگان همانند نوروز با آغاز آفرینش و خلقت همراه است. مردم معتقد بودند در این روز اهورامزدا زمین را گسترانیده و به مشی و مشیانه روح بخشیده است؛ همچنین ریشه‌ای اسطوره‌ای نیز برای مهرگان قائل بودند. روز مهرگان را، روز دربند کشیده شدن ضحاک توسط فریدون می‌دانستند؛ و قیام کاوه آهنگر علیه ضحاک را از علل جشن مهرگان می‌دانستند، دقیقی نیز جشن مهرگان را به فریدون نسبت می‌دهد و اینگونه می‌سراید:

مهرگان آمد و جشن ملک افریدونا

آن کجا گاو نکو بوذش بر مایونا

خلقانش کرد جامه زنگباری

این تند و تیز باد فروزینا



نایخ پژوهی

ویژه نامه شماره ۱

نخستین ویژه نامه تاریخ پژوهی

فروردین ۱۴۰۲

مدیر مسئول: فاطمه پنبه پز

سر دبیر: طهمورث مهربانی

صفحه آرا: اسفندیار محرابی

نویسندگان این شماره:

عرفان قسطی چوبدار، زهرا ناصری حصار، زینب کریمی دیسفانی، صبا اکبریان سوم

آدرس ایمیل نشریه: tarikhpajouhi@um.ac.ir

شماره مجوز انتشار: ۹۵۲۲۲۶

نشانی: خراسان رضوی، مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

دفتر انجمن علمی دانشجویان تاریخ

